



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۲/۲۰



م. اسحاق نگارگر

## سی و چند سال است برای صلح می جنگیم



من این یادداشت را در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳ یعنی پنج سال پیش نوشته بودم و اینک بعد از پنج سال امریکا و ناتو هم بدین نتیجه رسیده اند که در جنگ هیچ طرف پیروز نخواهند شد و من قویاً امیدوار استم که طالبان نیز گرفتار غرور پیروزی نشوند و روی به صلح بیارند که دیگر مردم تحمل جنگ را ندارند و در صلح خیر همه است.

نگارگر ۱۸ دسامبر ۲۰۱۸ برمنگهم

\*\*\* \*\*

سی و چند سال شد که ما برای صلح می جنگیم. هر جنگجوی وقتی که جنگ را آغاز می کند برای صلح می جنگد ولی هر جنگجو می پندارد که تنها با امحای کامل دشمن به صلح می رسد و بدین ترتیب است که جنگ سال ها دوام می کند و صلح به یک آرزوی دست نارس بدل می شود.

انگلیس و فرانسه دو همسایه دیوار به دیوار صد سال با هم جنگیدند ولی این جنگ صد ساله غالب و مغلوبی نداشت و اگر می خواستند با خون کشته شدگان آسیا بچرخانند بدون مبالغه چندین تن گندم را می توانستند آرد کنند.

قاعده هر جنگ بر اینست که یک طرف جنگ مغرورانه خویشتن را از حریف خود قوی تر می پندارد و تصور می کند که حریف خود را با سرانگشت خود مغلوب می کند و هنگامی که از حریف ضعیف مقاومت می بیند، غرورش جریحه دار میشود و جنگ را تشدید میکند و دیگر گپ بدانجا میکشد که زمام اسپ سرکش جنگ از کفش بدر میرود.

فرانسویان سی سال در ویتنام جنگیدند ولی نتوانستند ویتنامی ها را مغلوب کنند زیرا که ویتنامی ها از موجودیت خود و کشور خود دفاع می کردند. فرانسویان در دین بین فو با شکست قطعی رو به رو گردیدند و راه خود گرفتند و رفتند و امریکا که خویشتن را ابر قدرت می پنداشت پای در جبهه ویتنام جنوبی گذاشت و ده سال تمام از حکومتی به دفاع پرداخت که پس از خروج امریکا حتی یک روز هم دوام نیاورد و از پای افتاد.

روس ها برای دفاع از یک حکومت منفور دیگر بر همسایه خود افغانستان تاختند و شب و روز بر دهات و شهر های آن کشور بم فرو ریختند و بعد از ده سال آن را یک زخم خونچکان یافتند و دیدند که نه جنگ به پایان می رسد و نه صلح به دست می آید. مملکتی ویران به دنبال گذاشتند و راه خود گرفتند و رفتند.

امریکاییان و ناتو نیز در افغانستان آمدند تا صلح بیاورند و این کشور را به گفته خودشان از تروریسم پاک کنند و اینک امریکا و ناتو نیز بدین نتیجه رسیده اند که حتی برای یک لاف خشک و خالی هم دستاویزی ندارند و اینک باید کشوری را به دنبال بگذارند که همسایه ها با سو نیت برایش انگشت تهدید تکان می دهند و غرب نیز در آن پایگاه مستحکم ندارد تا با خاطر آسوده و مطمئن از این معرکه بدر رود و این کشور که روزگاری با توکل بر خدا (ج) روس را از خاک خود بیرون افگند اکنون با توکل بر امریکا می خواهد خود را از شر مداخله و حیثاً تجاوز احتمالی همسایگان برهاند.

من فکر می کنم که این توکل بر امریکا برای همسایگان فرصتی مناسب به دست می دهد که به شیوه غیر مستقیم در میدان افغانستان و با نیروی خود افغان ها با امریکا طرف شوند و تمام تلفات این جنگ ها را بر افغان ها تحمیل کنند و درست آن سان که امریکا و متحدانش مدال پیروزی بر کمونیزم روس را بر سینه خود زدند فردا همسایه ها خروج ننگین امریکا از منطقه را به خود نسبت دهند و مدال افتخار آن را بر سینه خود بزنند.

آیا وقت آن نرسیده است که ما از تاریخ درس عبرت بگیریم و بدانیم که رفتن به پایمردی همسایه در بهشت با عقوبت دوزخ برابر است؟ اگر معرکه آرایبی های بین المللی، اختلاف چین، جاپان و کوریای جنوبی بر سر آن جزایر بی صاحب در اوقیانوس آرام، دیوانگی ها و لجام گسیختگی های کوریای شمالی رقابت های احتمالی هند با چین در قاره آسیا و آفریقا، چین و امریکا را باهم شاخ بشاخ کند؛ امریکا از پایگاه های خود در افغانستان برضد چین و متحدانش یعنی ایران و پاکستان استفاده خواهد کرد و افغانستان همانند یک قوچ بیچاره در جنگ پیلان درگیر خواهد شد به هر صورت انسان بیچاره در طول تاریخ خود برای صلح جنگیده است ولی به صلح نرسیده درگیر جنگی دیگر گردیده است.

"دبلی راندال" شاعر امریکایی زیر عنوان "بعد از گشتار" شعری دارد که مسؤولیت ترجمه آن را من به عهده می گیرم و او در این شعر خود می گوید که هر جنگ در جامعه انسانی عقده های انتقام را برانگیخته و آن عقده های انتقام سبب جنگ های تازه گردیده است.

آیا انسان می تواند گریبان خود را از چنگال این جنگ و انتقام نجات بدهد و آب عفو و بخشایش آتش انتقام را خاموش و انسان را به صلح دائمی برساند و یا باز هم انسان مشکلات خود را با معیارهای وحشیانه جنگ و انتقام حل و فصل خواهد کرد. در یادداشت امروز ترجمه شعر راندال را برای تان تقدیم می کنم.

## بعد از گشتار

مرد خون آشام با ناز و تبختر گفت:

"می کشیم و ما همی جنگیم و آنکه صلح می آید".

"آری، آری، صلح بعد از جنگ"

گشت، اما بعد از آن فرزند مقتولی؛

گشت فرزندان قاتل را،

باز یک فرزند قاتل،

کُشت فرزندان آن مقتولِ بسمل را؛  
این بگشت و آن بگشت و باز خون آشام،  
با تبختر گفت:  
می کشیم این بار و بعد از کُشتن ما صلح می آید.  
لیک مُردن بود و کُشتن بود و دیگر هیچ . . . .  
نگارگر

After the killing  
We will kill,  
Said the blood- thirster  
"And after the killing there will be peace"  
But after the killing their sons  
and his sons killed their sons  
and their sons killed his sons  
until at last a blood- thirster said  
We will kill"  
"And after the killing there will be peace  
Duddley Randall(۱۹۱۴)



### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

سی و چند سال است برای صلح می جنگیم  
[n\\_negargar\\_siotshand\\_salast\\_baray\\_solh\\_mejangem.pdf](#)